



رابطه دستور و علوم معارف زبانی با زبان آموزی

(۳)

کمک به ترجمه - یکی از فوائد عمده دستور زبان فارسی استفاده از آن در ترجمه است که خود نوعی فراگرفتن زبان بیگانه و برگرداندن آنست بفارسی . بعضی از مباحث دستور فارسی برای ترجمه کردن مفیدتر است و آن مباحث ترکیب و اشتقاق و ساختمان کلماتست زیرا ترجمه باید اصطلاحات علمی و هنری و فنی زبان بیگانه را بفارسی برگرداند و مهمترین مبحثی که در این امر به این مهم یاری می کند به بحث لغت سازی است یعنی شعبه ای از مبحث ترکیب و اشتقاق و از این راه میتوان خدمت بسیاری به گسترش و غنای زبان فارسی کرد مانند خدمتی که سازندگان واژه های روانشناسی ، جامعه شناسی ، زیست شناسی ، نخست وزیر ، معنی شناسی ، سبک شناسی ، ملی گراتی و صدها مانند آن به زبان فارسی کرده اند. دیگر از مباحثی که بکار ترجمه میخورد همان مباحث مجاز و معانی مختلف مجازی کلماتست .

۲ - علوم زبانی و لغت سازی و گسترش زبان - زبان دائم در حال تغییر است. یکی از عوامل تغییر و تحول آن پیشرفت علوم و فنون و معارفست که زبان را بوضوح لغات و مفاهیم تازه نیازمند می کند به این معنی که زبان برای مفاهیم تازه علمی و فنی و هنری و

* آقای دکتر خسرو فرشیدورد استاد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران از صاحب نظران و شاعران نامدار معاصر.

ادبی بد لغات و واژه‌های جدید احتیاج دارد که آنها را یا از خارج قرض می‌نمایند مانند: ارت، حج، زکوة، کت، ماشین و یا از راه ترکیب و اشتقاق می‌سازد مانند روانشناسی، سبک‌شناسی و غیره و یا از راه تقلید صداهای طبیعت (که البته شیوه اخیر در مرحله آوازی تکوین زبان صورت می‌گیرد) و یا از راه دادن معانی مجازی بد لغات قدیم مانند مات که در ابتدا بد معنی مذهب بوده است و بعداً بر اثر تحولات اجتماعی در زمان قاجار به معنی مردم آمده است زیرا اشراف و اعیان و اهل مذهب و به پیروی آنها مردم در مقابل دولت مقاومت می‌کرده‌اند به این سبب ملت کم‌کم به معنی توده مردم شده است. باری زبان از این راهها بخصوص از طریق لغت‌سازی و قرض توسعه و گسترش می‌یابد و از این میان ساختن لغات تازه نقش عمده‌ای در گسترش زبان دارد زیرا با این کار یعنی با ساختن واژه‌های جدیدی، مانند: زمین‌شناسی، آواشناسی، شناساگر، معدن‌شناسی... زبان توانا می‌شود و این عناصر در حکم برگها و جوانه‌هایی هستند که بر تنه و شاخه درخت زبان می‌رویند و آن را تناورتر و بارورتر می‌کنند. البته واژه‌سازی باید طبق قواعد دستوری باشد ولی علاوه بر این شرایط دیگری هم دارد که یکی از آنها اینست که واژه‌های تازه باید با عناصر زنده زبان ساخته شوند و دیگر آنکه باید زیبا و خوش‌آهنگ باشد که ذوق مردم آنرا بپذیرد و گرنه لغات بد آهنگی مانند جنگ گاه و جنگ گربه‌جای رزمگاه و پرخاشگر مورد قبول مردم واقع نمی‌شود، حتی اگر فردوسی هم اینگونه لغتها را می‌ساخت کسی آنرا بکار نمی‌برد زیرا جمع شدن دو «گ» در جنگگاه و جنگ گربه‌جای و ناخوش‌آهنگی این واژه‌ها شده است. از آن جایی که عناصر قرضی بخصوص لغات عربی از عناصر زنده‌زبانند با آنها نیز باید لغت‌ساخت مانند گیاه‌شناسی، جامعه‌شناسی، قلمتراش، کتابچه، قلمدان، مداد تراش.

لغت‌سازی اگر طبق اصول صحیح باشد بر قرض برتری دارد، زیرا قرض اگر چه در بعضی از موارد مفید و لازمست و موجب توانگری زبان می‌گردد اما ممکنست با احساسات و با مسائل غیر زبانی دیگر روبرو شود.

درباره این واژه‌سازی و نقل معنی و استفاده از معانی مجازی مهمترین و بهترین راه گسترش زبانست و واژه‌سازی نیز مستلزم تسلط بردستور و قواعد صرفی زبان می‌باشد. بدان سبب باید شاگردان را از دبیرستان ضمن درس دستور به واژه‌سازی با عناصر زنده زبان عادت داد.

تأثیر دستور را در ترجمه و لغت‌سازی و تعلیم زبان و زبان خارجی یادآوری کردیم اینک متذکر می‌شویم که اهمیت ترجمه و واژه‌سازی برای زبان و فرهنگ کشورها و ممالکی که به‌علاوه جدید و کشورهای غرب نیاز بیشتری دارند بیشتر است.

این امر یعنی ترجمه و برگردان واژه‌های علمی و فنی به تصدیق سازمان فرهنگی و علمی سازمان ملل متحد (یونسکو) برای زبان کشورهای در حال پیشرفت اهمیت حیاتی دارد. به این سبب اگر ما می‌خواهیم زبانمان را گسترش دهیم باید در رواج ترجمه و در تربیت ترجمه‌گرو خوب سخت بکوشیم تا زبان ما آکنده از لغات ناخوش‌آهنگ فرنگی نگردد البته لزومی ندارد که لغات جاافتاده خارجی را مانند (ماشین و اتوموبیل و کت و پالتو) از زبان خود بیرون بریزیم، اگر ما جلولغات جدیدی را که بعد از این مانند سیل به زبان ماسرا زیر میشوند بگیریم کار عظیمی کرده‌ایم. باری دستور و قواعد لغت‌سازی آن‌هم برای تعلیم زبان مفید است و هم برای گسترش آن. و چنانکه دیدیم ترجمه و ترجمه‌گر خوب به دستور زبان فارسی نیازی بسیاری دارد.

۳ - علوم زبانی و بالابردن اطلاعات عمومی - دستور و قواعد زبان و علوم زبانی
علاوه بر کمک به زبان آموزی و گسترش فوائد دیگری نیز در بردارد که پیش از این به آنها اشاره کردیم. یکی از این فوائد بالابردن اطلاعات عمومی و دانش‌های کلی مردمست زیرا شک نیست که ذهن و اندیشه انسان متمدن روزگاری با اطلاع از علوم و فنون امروز پرورش می‌یابد و تقویت می‌شود و برای درک و حل مسائل دنیای این عهد و زمان آمادگی پیدا می‌کند. در این جهان که روز بروز علوم و فنون دانش بشر توسعه می‌یابد بیدانشی و توقف و درجا زدن بر روی علمی که در دوره دبستان و دبیرستان یاد گرفته‌ایم مرگ و بازگشت به عقب است. حاصل کلام آنکه ما امروز بدون داشتن اطلاعات کلی و عمومی کافی نمیتوانیم درست فکر کنیم یکی از علوم و معارفی که برای تقویت اطلاعات عمومی و دانش‌های کلی ما لازم است زبان‌شناسی و دستور و معارف زبان‌شناسی بخصوص که زبان رابطه نزدیکی با تفکر دارد و علوم مربوط به آن بخصوص روانشناسی زبان ما را از چگونگی تفکر نیز آگاه می‌سازد و در نتیجه بدست فکرتن ما کمک می‌کند.

۴ - علوم زبانی و نقد ادبی - علاوه بر این دستور زبان و زبان‌شناسی بخصوص باب آواشناسی و واج‌شناسی و معنی‌شناسی آن که شامل مجاز و استعاره نیز میشود به تحلیل ادبیات و نقد ادبی و عروض نیز کمک می‌کند مثلاً پژوهش و تحقیق درباره عروض کلمات و جمله‌های خوش‌آهنگ شعر و آثار ادبی امروز بدون اطلاع از آواشناسی و واج‌شناسی ممکن نیست.

۵ - کمک دستور به علوم دیگر زبان - دستور زبان و علوم زبانی بکار علوم و فنون دیگر زبان نیز می‌آیند مثلاً اهمیت دستور زبان در فرهنگ نویسی هر کسی پوشیده نیست زیرا اولاً چنانکه دیدیم اطلاع از معانی پیشوندها و پسوندها و ساختمانهای ترکیبی و عناصر دستوری مانند حروف اضافه و حروف ربط و ضمائر و صفات دستوری (از قبیل صفت مبهم

مفیدت اشاره صفت پرستی) در معنی کردن لغات تأثیر بسزائی دارد و شك نیست که مهمترین وظیفه يك فرهنگ، نویسن خوب معنی کردن دقیق لغات و کلمات از جمله کلمات دستوری است.

ثانیاً در فرهنگهای امروزی حتماً باید هویت دستوری کلمات را معین نمود تا بتوان آنها را خوب معنی کرد فی الحال باید دانست «چون» کجا صفت و کجا قید و کجا حرف ربط است و آنجا که حرف ربط است کجا برای زمان و کجا برای علت است. به این سبب یکی از راههای تقسیم بندی لغات در فرهنگها نقش دستوری آنهاست زیرا يك کلمه واحد که تشابهی، دستوری مختلفی دارد دارای معانی مختلفی نیز هست مثلاً بیشك معنی «چون» پرستی یا «چون» تعجبی (یعنی چه در زیاد) متفاوت است.

بازی دستور در علوم و فنون دیگر زبان مانند املاء، نقد ادبی، سبک شناسی، عروض نیز مؤثر است و به بعضی از موارد این تأثیر قبلاً نیز اشاره کردیم.

ع - علوم زبانی و تثبیت زبان - زبان دائم در حال تحول است بخصوص زبانی که خط نداشته باشد و با قواعد آن تدوین نگردیده باشد و برای آن فرهنگ نوشته نشده باشد و این تحول هنگام برخورد با زبانهای دیگر و قرض گیری سریعتر می شود بنابراین تحول زبان امریست طبیعی. اما زبان از طرفی دیگر وسیله ایست برای ارتباط بین مردم که از جمله وسیله ارتباط است بین معاصران و گذشتگان و آیندگان اما اگر سرعت تحول زبان بیش از اندازه باشد هر چه و مرج ایجاد میشود و کسستگی و قطع ارتباط فرهنگی و زبانی بوجود می آید و تحول بیش از حد و انجام گسیخته زبان سبب میشود که دیگر کسی معانی سخن مردم ۵۰ سال پیش از خود یا بعد از خود را نمی فهمد زیرا وسیله مشترك ارتباطی که زبانست زودتر از موعد و بیش از حد لزوم تغییر کرده است.

بنابراین برای حفظ سنن فرهنگی و ملی و برای جلوگیری از قطع ارتباط بین گذشتگان و معاصران و آیندگان زبان و لغات آن نباید بیش از حد لزوم تغییر کند. بهر حال کند کردن تحول زبان از لحاظ حفظ فرهنگ و از نظر حفظ ارتباط با سنت مفید است و آنچه مانع تحول سریع و هرج و مرج آفرین زبان می شود یکی کتابت و نوشتن است و دیگر تدوین کتابهای فرهنگ و لغت و دستور است. اصولاً یکی از علل بوجود آمدن کتابهای لغت و دستور از قدیم تا کنون نیز همین امر بوده است یعنی جلوگیری از هرج و مرج در زبان و مانع گردیدن از تحول سریع آن. مثلاً فرهنگها و دستورهای عربی به این سبب تدوین گردید که از تغییر بیش از حد آن زبان جلوگیری کند زیرا زبان عربی بسبب آمیزش با زبانهای دیگر تغییر بسیار کرده بود و عده ای آن را فاسد زبان می نامیدند (زبان شناسان امروز آن را تغییر و تحول زبان می گویند) و از این رو دستداران آن زبان برای جلوگیری از این «فساد»

یا «تحول سریع» برای آن دستورولفت تألیف کردند .

تسلط بر دستور و لغات زبان چنانکه دیدیم موجب بهتر یاد گرفتن آن و سبب تثبیتش می گردد و از قرض بیش از حد لزوم و از پر شدن زبان از لغات بیگانه و همچنین از تغییرات سریع و ناساز صوتی آن جلوگیری می کند و موجب رهبری اندیشیده و معقولش می گردد البته این رهبری زبان و طرح ریزی برای آن نباید بر اساس تعصب و نظریات ضد علمی باشد و نباید برخلاف جریان طبیعی زبان صورت گیرد و سبب تغییرات مصنوعی و خطرناک در آن گردد .

۷ - علوم زبانی و رهبری زبان - بسیاری از موارد تأثیر علوم زبانی را در رهبری و تثبیت زبان دیدیم و درباره آنها بحث کردیم دیدیم که باتدوین دستورولفت و علوم زبانی می توان زبان را بهتر آموخت و میتوان از تحول هرج و مرج آفرین و بیش از حدش جلوگیری کرد و میتوان زبان زیبایی ساخت و آن را گسترش داد و امر ترجمه را که برای ما اهمیت حیاتی دارد به پیش برد اینک مطالب دیگری درباره تأثیر علوم زبانی در رهبری و گسترش زبان بیان می کنیم :

باری دیدیم دستور و علوم زبانی می تواند در رهبری زبان به سوی متصدی مسئول و مناسب موثر باشد و سبب تقویت و گسترش آن گردد البته اگر دستور و علوم زبانی به دست نااهل بیفتد و از آن برداشتهای نامطلوب و زیان آمیز شود موجب شرابی و تحول نارسا میگردد و در این صورت بسیار مضر است و در حکم « تیغ دادن در کف زنگی مست » است مثلا کسانی که به عنوان زبان شناس و دستوردان « رسانه » و « فرشتین » و « تراپری » می سازند راه خطا می سپرند .

متأسفانه اینگونه تصرفات ناروا و خطرناک و تعصب آلود و ضد دستوری در کشور ما بنام زبان شناسی و زیر این نام صورت میگیرد . زیرا در این مرز و بوم گروهی شبه زبان شناس به جای زبان شناسی و دستور علمی شبه زبان شناسی و شبه دستور بوجود آورده اند و چیزی را بنام دستور و زبان شناسی علم می کنند که روح زبان شناسی و دستور از آن بی خبر و بیزار است . بنابراین یکی از وظائف زبان شناس دستوردان واقعی جلوگیری از روئیدن شبه دستور و شبه زبان شناسی در کشور است یعنی چیزی که گمراه کننده مردم و ویرانگر زبانست و چه بسا مضر و خطرناک نیز هست ، مثلا آیاترجم آور نیست که گروهی متعصب و بیمایه بنام زبان شناس میگویند لغات عربی موجب ننگ زبان فارسی است و باید آنها را جاروب کرد و درونمود یعنی لغاتی که سعدی و حافظ و مولوی ، دهخدا و هدایت با آنها عشق ورزیده اند و با آن اشعار آسمانی و آثار جاویدانی بوجود آورده اند آیا باید این همه اثرهای زیبا را به دور ریخت و زبان را فقیر و ناتوان کرد و به جای آنها لغت غلط ساخت .

باری وجود لغات خوش آهنگ و جا افتاده عربی در زبان فارسی بهیچوجه ننگ نیست و تنها گفتار و کردار این کسان خجالت آور و ننگین است . بعضی از این زبانشناسان عالیمقام می گویند زبانشناسی یعنی اینکه تمام زبانهای جهان از جمله عربی از فارسی بوجود آمده اند . این نظریات و افکار اگرچه ممکنست عوام فریبانه باشد و احساسات گروهی بیخبر و بی ذوق و بی اطلاع از زیبایی و هنر و شعر را تحریک کند اما کاملاً ضد علمی و ضد ملی است . اینها نه تنها دستور و زبانشناسی نیست بلکه ضد دستور و ضد زبانشناسیست اینها شیادی علمی و دستبرد زنی به زبان فارسی است و بس و کسانی که چنین ادعاهائی می کنند نه تنها زبانشناس و دستوردان نیستند بلکه ضد زبانشناس و ضد زبان فارسی و باید دستشان را از سر این زبان کوتاه کرد .

منابع

زبان و نگار از دکتر محمد رضا باطنی چاپ زمان

دستور امروز از دکتر خسرو فرشیدورد صهی عیاشه سال ۱۳۴۸

— Sémantique par , Pierre Guiraud

۱ - مراد از کلمات دستوری یا کلمات ساختمانی یا کلمات نقش نما کلمات محدود یا بسته زبانست . این گونه واژه ها که به آنها اشاره کردیم بیشتر کارشان نشان دادن نقش کلمات و عبارات دیگر در جمله است . به این سبب آنها را کلمات نقش نما نیز می گویند مثلاً حرف اضافه نشاندهنده نقش متممی اسم است در جمله .

هر کس بفطرت خود

مه شناند نور و سگ عوعو کند ، هر کسی بر خلقت خود می تند .
 زانکه از بانگ و غلای سگان ، هیچ وا ماند ز رفتن، کاروان ؟
 یا شب مهتاب، از غوغای سگ ، کند گردد، بدر را، در سیر، تک ؟
 مثنوی مولوی محمد بلخی - قرن دهم